

معرفی کتاب خارجی

# حیات پیامبر

○ آیات شریف عسکری

در انتقال روایات شفاهی سیره به نسل بعدی نمی‌کاهد. <sup>۴</sup> مهم‌ترین تدوین‌گران روایات مغازی و سیره در نسل پس از زهری، چون محمدبن اسحاق بن یسار (متوفی ۱۵۱ ق)، موسی بن عقبه، معمر بن راشد و ابومعشر سندی از شاگردان وی بوده‌اند. از میان این افراد، محمدبن اسحاق بن یسار شهرت یافت و اثرش مقبولیت عام به دست آورد. وی مجموعه گسترده‌ای از روایات سیره را گرد آورد.

در نخستین آثاری که درباره پیامبر نگاشته شده، سه بخش مجزا وجود داشته است: المبتدأ، المبعث و المغازی. در بخش المبتدأ که نگارش آثاری در این حوزه مستقل خود باب بود، روایات و داستان‌های آغاز آفرینش تا زمان عیسی علیه‌السلام گردآوری می‌شد. بدیهی است که حجم غالب این روایات، اسرانیات باشد. در بخش المبعث، روایات ناظر به تولد پیامبر و مراحل رشد و نمو آن حضرت تا پایان مهاجرت ایشان به مدینه نقل شده است. به عبارت دیگر بخش المبعث به بررسی دوران مکی حیات پیامبر اختصاص داشته است. بخش آخر، یعنی کتاب المغازی، شرح احوال پیامبر در مدینه تا وفات ایشان بوده است. با توجه به این سه موضوع، ابن اسحاق روایات فراوانی را گردآوری کرد. <sup>۵</sup>

سؤال جدی درباره روایات ابن اسحاق این است که آیا خود وی اثر مکتوبی تألیف کرد یا تنها به تدوین مجموعه‌ای از احادیث بسنده کرد و آنها را بر شاگردان خود خواند و نسل بعد از وی، مجموعه‌هایی مکتوب از درس‌های شفاهی استاد را پدید آوردند؟ برخی بررسی‌ها نشان می‌دهد تا یک نسل قبل از احمدبن حنبل (متوفی ۲۴۱ ق)، کتابت حدیث و طبعاً مجموعه‌های تالیفی رواج نداشته و این کار به شدت نهی می‌شده است. <sup>۶</sup> از این رو، کما اینکه از برخی مطالب منقول درباره ابن اسحاق نیز می‌توان دریافت، <sup>۷</sup> افرادی از نسل او یا حتی دو نسل بعد از او روایات وی را به صورت مکتوب درآوردند. از میان شاگردان نسل اول وی، زیادبن عبدالله

○ The life of Muhammad,\*

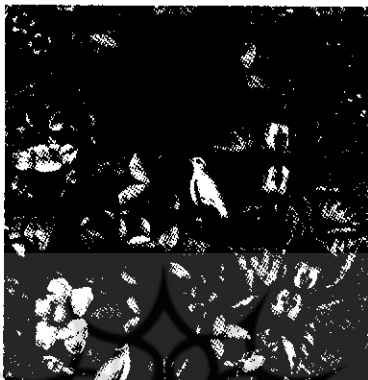
○ Uri Rubin, ed.

○ Ashgate - variorum, London, 1998, pp. xlvii+410, ISBN: 0-86078-703-6.

یکی از حوزه‌های موردتوجه خاورشناسان در مطالعات اسلامی، تاریخ صدر اسلام و حیات پیامبر است. توجه به این حوزه را حتی در رده‌های متکلمان مسیحی بر اسلام نیز می‌توان یافت. <sup>۱</sup> در ۱۹۸۰، توفیق فهد در استراسبورگ فرانسه همایشی برای بررسی حیات پیامبر برگزار کرد. <sup>۲</sup> با این همه به نظر می‌رسد این حوزه هنوز به تألیفات تحقیقی نیاز داشته باشد. کتاب حیات پیامبر این مهم را به صورت متفاوتی انجام داده است. کتاب حاضر، جلد چهارم از مجموعه ۴۷ جلدی شکل‌گیری جهان اسلام در دوران کلاسیک <sup>۳</sup> است. اوری روبین، پانزده مقاله مهم خاورشناسان در حوزه سیره را در این کتاب گردآوری کرده و فهرستی از مهم‌ترین تحقیقات در این زمینه را نیز به مقدمه افزوده است.

## شکل‌گیری دانش سیره

دانش سیره، به گونه‌ای که امروز در اختیار ما قرار دارد، حاصل فعالیت‌های عالمان مسلمان در نیمه دوم قرن اول و نیمه اول قرن دوم است که روایات سیره را جمع‌آوری و تدوین کردند. از مهم‌ترین شخصیت‌های این دوره در تدوین روایات سیره، عروه بن عبدالله بن زبیر است. از افراد دیگری چون ابان بن عثمان بن عفان و شرحبیل بن سعد نیز در میان تدوین‌گران اخبار سیره نام برده شده است. اما تحول اساسی در امر سیره‌نگاری را محمدبن مسلم بن شهاب زهری پدید آورد. تردید جدی در اینکه زهری اثری مکتوب درباره سیره تدوین کرده باشد، از اهمیت وی



قرن نهم میلادی در میان یهودیان و خاصه مدافعه‌نویسان مسیحی رواج داشته است. بررسی این منقولات نشان می‌دهد که این افراد، دانش خود در این زمینه را گاه از منقولات قرآن و روایات اسلامی و گاه از ردیه‌هایی بر اسلام اخذ کرده‌اند.<sup>۳۱</sup>

یکی از زمینه‌های مطالعات سیره، بررسی تاریخی زندگی پیامبر است. پژوهش تاریخی درباره زندگی پیامبر، امری کهن است و در نوشته‌های مدافعه‌نویسان مسیحی در قرون وسطا به کرات مطرح شده است. در این نوشته‌ها، نویسندگان در تلاش برای پاسخ به سؤالاتی از این قبیل‌اند که راز موفقیت پیامبر چه بوده است؟ پیامبر از چه کسی دانش خود را فراگرفته است؟ و این آموخته‌ها تا چه حد در شکل‌گیری اندیشه توحید در پیامبر مؤثر بوده است؟ متألهان مسیحی در پاسخ به این سؤالات پیامبر را فردی مرتد معرفی می‌کردند که در پی عدم دستیابی به مقام پایی خود دین جدیدی آورده است.<sup>۳۲</sup> اسلام‌شناسان معاصر، این سؤالات را از جنبه‌های گوناگون بار دیگر طرح کرده‌اند، اما تفاوت آنها با متألهان مسیحی، در نگاه تجربی آنان به این پرسشهاست. در میانه قرن نوزدهم، کسانی چون گوستاو وایل<sup>۳۳</sup> (۱۸۴۳ م)، ایوس اشپینگر<sup>۳۴</sup> (۱۸۶۱ م) و ویلیام مویر<sup>۳۵</sup> (۱۸۵۸-۱۸۶۱) با چنین رویکردهایی حیات پیامبر را بررسی کرده‌اند.

یکایی (متوفی ۱۸۵ ق)، یونس‌بن بکیر فزاری (متوفی ۱۹۹ ق) سلمه‌بن فضل انصاری (متوفی ۱۹۱ ق) و ابراهیم‌بن سعد مدنی در روایت اخبار تدوین شده ابن اسحاق شهرت بیشتری دارند.<sup>۳۶</sup> هرکدام از این مجموعه‌ها به نحو جداگانه روایت می‌شده است و نویسندگان قرن سوم و چهارم در تألیف آثار خود از طریقی و گاه از چند طریق روایاتی از آنها نقل کرده‌اند. برای مثال محمدبن جریر طبری (متوفی ۳۱۰ ق)، مؤلف تاریخ الامم والرسول و تفسیر جامع‌البیان، روایات فراوانی از سیره ابن اسحاق به طریق سلمه‌بن فضل انصاری از شاگردش ابن حمید رازی روایت کرده است. اغلب این روایات، اسرائیلیات یا روایات ضعیف است. مشهورترین این روایات، روایت زبایدن عبدالله یکایی است. این روایات را شاگرد یکایی، عبدالملک‌بن هشام حمیری (متوفی ۲۱۸ ق) در اثری گردآوری کرد که به نام خودش شهرت یافت.<sup>۳۷</sup> کار تدوین روایات معازی را کسانی چون واقدی<sup>۳۸</sup> (متوفی ۲۰۷)، ابن سعد<sup>۳۹</sup> (متوفی ۲۳۰ ق)، بلاذری<sup>۴۰</sup> (متوفی ۲۷۹) و طبری<sup>۴۱</sup> (متوفی ۳۱۰ ق) ادامه دادند. آثار بعدی که در این حوزه تألیف شده است، چون الدرر فی اختصار المغازی و السیر نوشته ابن عبدالبر اندلسی و عیون‌الانوار ابن سید الناس جملگی حاصل تلفیق آثار تألیف شده در حوزه سیره تا قبل از طبری است.<sup>۴۲</sup>

#### مطالعات سیره

مهم‌ترین مطالعاتی که در قرن حاضر درباره سیره انجام شده است آثار ژوزف هورویتر<sup>۴۳</sup>، سزگین<sup>۴۴</sup>، مارلن جونز<sup>۴۵</sup>، عبدالعزیز الدوری<sup>۴۶</sup>، قسطنتر<sup>۴۷</sup> و رنف گتورک خوری<sup>۴۸</sup> است که هرکدام زمینه‌ای از مطالعات سیره را بررسی کرده‌اند.

ذکر شرح حال پیامبر، البته به صورت محدود و اشارات پراکنده، از

ادامه راه این افراد در قرن بیستم، در آثار کسانی چون فرانسیس بوهل<sup>۴۹</sup> (۱۹۰۳ م)، هوبرت گریم<sup>۵۰</sup> (۱۹۰۴ م)، لئون کاینانی<sup>۵۱</sup> (۱۹۰۵-۱۹۰۷ م)، ویلیام مونتگمری وات<sup>۵۲</sup> (۱۹۵۳-۱۹۵۶ م)، ماکسیم رودسون<sup>۵۳</sup> (۱۹۶۱) قابل مشاهده است. تمامی این محققان سعی داشتند تا حیات پیامبر را با توجه به محیطی که آن حضرت در آن بالیده‌اند، شرح دهند. برخی از پژوهشگران زمینه‌های یهودی و برخی دیگر زمینه‌های مسیحی را در

شکل‌گیری اسلام مؤثر دانستند<sup>۳۱</sup>، در حالی که محققانی چون فیوک<sup>۳۲</sup> و وات<sup>۳۳</sup> پیش‌زمینه‌های موجود در میان اعراب را در این امر دخیل دانسته‌اند.

**پی‌نوشت‌ها:**

- \* اوری روبین (ویراستار)، حیات پیامبر، انتشارات اشگیت - وریورم، لندن، ۱۹۹۸، ۴۱۰ + ۴۶ صفحه، شابک: ۸۶۰۷۸۷۰۳۶-۰  
۱. برای نمونه ر. ک:

James Kritzeck, Peter the Venerable and Islam, Princeton, 1964, pp. 124 ff.

2. Toufic Fahd, ed., La Vie Du Prophete Mahomet, Presses Universitaires De France, 1983.

3. The Formation of the Classical Islamic World.

۴. برای نمونه ر. ک:

عبدالعزیز الدوری، بحث فی نشأة علم التاريخ عندالعرب بیروت، ۱۹۸۳، ص ۲۳ به بعد.

۵. درباره ابن اسحاق بنگرید به همین ماده در دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.

6. See. Michael Cook, "The opponents of the Writing of Tradition in Early Islam", Arabica, 44, 1997.

۷. ر. ک: مطاع الطرابیسی، رواة محمد بن اسحاق بن یسار فی المغازی و السیر و سائرالمرویات بیروت، ۱۹۹۴/۱۴۱۴.

۸. درباره روایان ابن اسحاق ر. ک: الطرابیسی، همان: درباره دیگر روایات سیره ابن اسحاق، خاصه روایت یونس بن بکر فزاری ر. ک:

Miklos Muranyi, "Ibn Ishaq's Kitab al-magazi inder riwaya Von Yunus b. Bukayr", Jerusalem Studies in Arabic and Islam, 14 (1991), pp. 214-75.

۹. ر. ک: عبدالملک بن هشام، السیره النبویه تحقیق مصطفی السقا، ابراهیم‌الایبیری و عبدالحفیظ شلی، بیروت، ۱۹۷۱.

۱۰. محمدبن عمرالواقدی، کتاب المغازی، تحقیق مارسلن جونز، لندن، ۱۹۶۶. این کتاب بر اساس همین چاپ در ایران افست شده است.

۱۱. محمدبن سعد، کتاب الطبقات، بیروت، ۱۹۶۰. این چاپ بر اساس چاپ لیدن و نسخه ناقص انجام شده است. بخش‌های غیرچاپ شده این کتاب به تازگی در ریاض منتشر شده است.

۱۲. بخش مربوط به پیامبر کتاب انسابالاشراف را نخستین بار محمد حمیدالله (قاهره، ۱۹۶۹) منتشر کرده است. این کتاب چند چاپ دیگر نیز دارد.

۱۳. طبری، تاریخ الرسل والملوکه تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم،

**بررسی مقالات کتاب حیات پیامبر**

مقاله نخست، نوشته مارتین هیندز، فرآیند کاربرد اصطلاح سیره را درباره تالیفاتی که درباره پیامبر نگاشته شده است، بررسی می‌کند. در ادامه مقاله، واژه مغازی نیز به همین‌گونه بررسی می‌شود.<sup>۳۴</sup>

مقاله دوم، نوشته مارسلن جونز، به بررسی گفته ژولیوس ولهاوزن اختصاص یافته که گفته است واقدی در تالیف کتاب المغازی خود به کرات از سیره ابن اسحاق بهره برده و نام وی در زمره کسانی است که واقدی با تعبیر «قلوا» از آنها یاد کرده است. جونز در صحت این قول تردید می‌کند.

میخائیل لکر نیز در مقاله خود مطرح می‌سازد که روایان سیره، روایاتی را که قبل از خودشان تدوین شده روایت کرده‌اند. این سه مقاله در بخش اول با عنوان «مؤلفان سیره پیامبر» قرار دارد.

بخش دوم کتاب با عنوان «حوادث ایام پیامبر» با مقاله‌ای از لورنس کنراد آغاز شده است. کنراد در مقاله خود مشکلات موجود در سال شماری حوادث پیامبر، و به نحو اخص تاریخ تولد آن حضرت، را به بحث نهاده است. با وجود آن که کنراد رگه‌هایی از حقیقت تاریخی را در برخی از روایات متذکر شده، بر اهمیت نمادگرایی در ذکر اعداد نیز تاکید کرده است.

سه مقاله بعدی، یعنی «فرزندان خدیجه» نوشته قسطنطین مسلمانان در مکه: آیا زمینه‌هایی اجتماعی برای دین جدید وجود داشته است؟؛ تالیف میکولوس مورینی و «ملاقات‌های عقبه» نوشته گرتزود ملامد، حوادث مهم در روزگار پیامبر را بررسی کرده‌اند. چهار مقاله بعدی این بخش، پیمان‌نامه‌های منعقد شده در زمان پیامبر چون قانون‌نامه مدینه و صلح حدیبیه را بررسی کرده‌اند. مقاله جونز با عنوان «زمان‌شناسی جنگ‌های مغازی» تاریخ‌های متعدد ذکر شده برای نبردهای زمان پیامبر را بررسی می‌کند.

بخش بعدی با عنوان «پیامبر آرمانی»، تحول در سنت اسلامی را به بحث می‌گذارد. در این بخش به ویژگی‌های برجسته پیامبر اشاره شده است. مقالات این بخش، تالیف ژوزف هورویتز، هربرت بوسه و آرنست ونسیک است. آخرین مقاله کتاب، نوشته سیدنی گریفیث است که به بررسی نوشته‌های متألهان و مدافعه‌نویسان مسیحی درباره اسلام می‌پردازد. بررسی وی به اوایل دوره عباسی محدود است.

Scripture and his Message according to the christian Apologies in Arabic and syriac from the First Abbasid Century", idem, pp. 99-146; Gerard Troupeau, "La biographie de Mahomet dans L'oeuvre de Barthelemy d'Edesse", idem, pp. 147-57.

برای فهرست کامل‌تری از این آثار ر. ک:

Sidney H. Griffith, "Islam and the summa theologiae Arabica; Rabi I, 264 A. H", Jerusalem Studies in Arabic and Islam, 13 (1990), p. 225, no.2.

۲۲. جواد حدیدی، اسلام از نظر ولتر، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

23. Gustav Weil

24. Aloys Sprenger

25. William Mair

26. Frants Buhl

27. Hubert Grimme

28. Leone Caetani

29. W. Montgomery Watt

30. Maxime Rodinson

۳۱. برای آثار کلاسیک در این باره ر. ک:

Abraham Geiger, Was hat Mohammed aus dem Judentum aufgenommen? (Leipzig, 1902); C. C. Torrey, The Jewish Foundation of Islma (New York, 1933); Richard Bell, The Origin of Islam in its christian Environment (London, 1926).

32. J. fueck, "The Originally of the Arabian Prophet", in Merlin L. Swartz, ed. and trans., studies on Islam (Oxford, 1981), pp. 86-98.

33. W. Montgomery Watt, "Belief in a High God in Pre-Islamic Mecca, Journal of Semetic studies 16 (1971), pp. 35-40.

۳۴. برای نقد نظریات هیندز ر. ک:

Maher Jarrar, Die Propheten-biographie im islamischen Spanien Ein Beitrag zur Uberlieferungs- und Redaktions - geschichte (Frankfurt am Main, 1989).

قاهره، ۱۹۸۷ تجدید چاپ ۱۹۶۹.

۱۴. البته نحوه ترکیب اخبار و میزان نقل از آثار کهن‌تر، در میان این تالیفات متفاوت است.

15. Josef Horowitz, "The Earliest Biographies of the Prophet and Their Authors", Islamic Culture, 1 (1927), pp. 535-59; 2 (1928), pp. 22-50, 164-82, 495-526.

این مقاله بلند را حسین نصار با عنوان المغازی الاولى و مؤلفوها (قاهره، ۱۹۴۹) به عربی ترجمه کرده است.

16. Fuat Sezgin, Geschichte des arabischen Schrifttums, I (Leiden, 1967), pp. 275-302.

17. J. M. B. Jones, "The Maghazi Literature", in A. F. L. Beeston et al., eds., Arabic Literature to the End of the Umayyad Period (Cambridge, 1983), pp. 344-51.

۱۸. عبدالعزیز الدوری، بحث فی نشأة علم التاريخ عند العرب بیروت، ۱۹۸۳. این اثر با این مشخصات به انگلیسی ترجمه شده است:

A. A. Duri, The Rise of Historical Writing Among the Arabs, ed and trans. Lawrence I. Conrad (Princeton, 1983), pp. 76-135.

19. M. J. Kister, "The Sira Literature", in A. F. L. Beeston et al., eds., Arabic Literature to the End of the Umayyad Period (Cambridge, 1983), pp. 352-67.

20. R. G. Khoury, "Les Sources islamiques de La Sira avant Ibn Hisham (m. 213/834) et Leur Valeur historique", in Toufic Fahd, ed., La Via du Prophete Mahommed: Colloque de Strasbourg, Octobre, 1980 (Paris, 1983), pp. 7-29.

۲۱. درباره این تالیفات ر. ک:

Asterios Argyrion, "Elements biographiques Concernant le prophete Muhammad dans la Litterature grecque des trois Premiers siecles de l'hegire" in Fahd, ed., idem, pp. 159-82; Bertold Spuler, "La Sira du Prophete Mahomet et les Conquetes des arabes dans le Proche-Orient d'apres les sources syriaques", idem, pp. 87-97; sidney H. Griffith, "The Prophet Muhammad: his